

سیاست گذاری اجتماعی و مسئله امید؛

مطالعه ارزیابی جامعه از آینده در پیمایش های ملی دهه ۱۳۹۰

رضا امیدی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

امید به آینده در مطالعات اخیر علوم اجتماعی بر ارزیابی مثبت از بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی دلالت دارد. ارزیابی از آینده خود تاحد زیادی متأثر از ارزیابی از روندهای پیشین و وضعیت اکنون جامعه است. در واقع، ارزیابی جامعه از آینده به نوعی نقد وضعیت و سیاست های فعلی و پیشین است؛ نوعی ارزیابی بازتابی و نقد تداوم و چسبندگی سیاست های فعلی. «نه» به آنچه تاکنون رخ داده است و تأکید بر ضرورت تغییر بنیادین. این برداشت تداعی کننده تاریخی بودن مسئله امید است. در این مقاله، ارزیابی جامعه از آینده در پیمایش های ملی دهه ۱۳۹۰ با محور قرار دادن داده های پیمایش ملی سلامت اجتماعی؛ به عنوان آخرین پیمایش ملی انجام شده، و مقایسه آن با داده های سایر پیمایش های ملی این دهه بررسی شده است. تطبیق داده های این پیمایش با دو پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان و سرمایه اجتماعی در امتداد زمانی نشان از روند کاهنده ارزیابی امیدوارانه ایرانیان از آینده دارد. با استفاده از داده های موجود در گزارش های تحلیلی و آماری حوزه های مرتبط نظیر فقر، اشتغال، بیکاری، وضعیت استان ها، و غیره نسبت بین داده های پیمایش و وضعیت موجود جامعه توضیح داده می شود. شواهد نشان می دهد پنداشت جامعه از وضعیت خود با داده های ثبتی رسمی و پژوهشی انطباق دارد و برداشت های ذهنی از وضعیت معرف وضعیت واقعاً موجود اقتصادی و اجتماعی است.

واژه های کلیدی: سلامت اجتماعی، امید به آینده، کالایی زدایی، تشکل یابی، حقوق اجتماعی

طرح مسئله

امید به آینده، معرف انتظارات تغییرات فردی و اجتماعی مطلوب و چشم‌انداز خوش‌بینانه نسبت به آینده است، و رابطه معناداری با مفاهیمی نظیر کیفیت زندگی، همبستگی اجتماعی، و نشاط اجتماعی دارد. نگاه امیدوارانه یا ناامیدانه فرد نسبت به آینده، بر جهان‌زیست فرد و کیفیت اجتماعی زندگی او، و همچنین از وضعیت توازن یا رابطه بین عاملیت و ساختار در یک جامعه معین دلالت دارد. از این منظر، سطح سوژگی فرد متأثر از تحلیل و ارزیابی‌ای است که از وضعیت ساختاری و نهادی جامعه دارد. بدین معنا، سطح امیدواری فرد به آینده نوعی ارزیابی از کیفیت نظام حکمرانی و مناسبات اجتماعی در سطوح مختلف است. در علم سیاست‌گذاری می‌توان امید به آینده را نوعی خودارزیابی از تحقق اهداف سیاست‌ها بشمار آورد؛ اینکه آنچه محقق می‌شود تا چه اندازه با انتظار سیاست‌گذاران یا انتظار جامعه هدف انطباق دارد.

مسئله امید به آینده، طی دو دهه اخیر به پژوهش‌ها و پیمایش‌های اجتماعی راه یافته و به یکی از حوزه‌های مهم و جذاب، هم برای سیاست‌گذاران و هم پژوهشگران تبدیل شده است. این مسئله‌مندی ریشه در واقعیت‌های جامعه دارد و تا حد زیادی از مسائل و چالش‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ناشی شده است. جامعه ایران طی دو دهه اخیر انواعی از بی‌ثباتی‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی را تجربه کرده است؛ بی‌ثباتی‌هایی که عموماً پیامدهای نامطلوبی در وضعیت زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی برجا گذاشته است. این بی‌ثباتی‌ها از انواعی دلایل داخلی و خارجی ناشی می‌شود، اما انباشتی از سیاست‌گذاری‌ها و رویه‌های غلط نهادی و ناکارآمدی‌های نظام سیاست‌گذاری موجب شده تا چالش‌های بیرونی هم به طرز غیرمتعارف و دور از انتظاری بر عرصه‌های داخلی تأثیر بگذارد و جمعیت بیشتری از کشور تحت تأثیر قرار گیرد.

تداوم بی‌ثباتی‌ها از یکسو بر نوع نگاه جامعه به عرصه سیاسی و سیاست‌گذاری و از سوی دیگر بر مناسبات و پیوندهای درونی جامعه در سطوح خرد و میانه تأثیر می‌گذارد. جامعه ایران در نتیجه چنین بی‌ثباتی‌هایی اعتماد خود را نسبت به خود و نهادهای عمومی از

دست داده است. روند این بی‌اعتمادی در موج‌های دوم و سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و پیمایش ملی سرمایه اجتماعی روشن است. بر اساس یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵) و یافته‌های سرمایه اجتماعی (۱۳۹۴) مردم از یکسو خود را در مواجهه با مجموعه‌ای از مشکلات نظیر بیکاری، فقر، فساد، و تبعیض می‌بینند و بر این باورند که این مسائل مدام در حال افزایش است، و از سوی دیگر نسبت به موفقیت دولت برای حل این مسائل کاملاً ناامید و نامطمئن‌اند به طوری که تنها حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد پاسخگویان بر این پنداشتند که نظام سیاسی می‌تواند در مقابله با چنین مسائلی عملکرد موفق‌تری داشته باشد، یعنی حدود ۸۸ درصد پاسخگویان نسبت به عملکرد دولت برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی ناامیدند و باید در نظر داشت که این ناامیدی تنها نسبت به دولت و سیاست‌های دولت نیست، بلکه ناامیدی نسبت به گونه‌های مختلف اقتدار از جمله نسبت به نخبگان اجتماعی و متخصصان است. این وضعیت، به پنداشت و تصویر بدبینانه از وضعیت حال و آینده جامعه منجر شده به طوری که ۵۷ درصد پاسخگویان می‌پندارند که وضع جرائم نسبت به گذشته بدتر شده و ۵۲ درصد هم گفته‌اند طی ۵ سال آینده بدتر می‌شود، ۷۶ درصد گفته‌اند وضع فقر و نابرابری نسبت به ۵ سال قبل بدتر شده و طی ۵ سال آینده هم بدتر خواهد شد. همچنین تبعیض اقتصادی و قضایی به بدبینی شدید نسبت به طبقات بالا منجر شده است.

بر اساس موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵)، حدود ۷۰ درصد پاسخگویان نداشتن پول و پارتی را عامل تزییع حق می‌دانند، تنها ۱۶ درصد با این گزاره که ثروتمندان از طریق فساد و رانت و پارتی به ثروت رسیده‌اند مخالف‌اند، بیش از ۶۰ درصد بر این باورند که ثروتمندان به راحتی می‌توانند قانون را نادیده بگیرند، بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان نسبت به احقاق حق از طریق قانونی تردید دارند، حدود ۵۶ درصد پاسخگویان دسترسی به شغل را منوط به پارتی و خط‌وربط سیاسی می‌دانند و تنها ۱۲ درصد بر این باورند که داشتن تخصص و شایستگی در یافتن شغل تأثیر دارد.

یافته‌های زیادی را از پژوهش‌های میدانی و پیمایش‌های ملی می‌توان برشمرد که نشان‌دهنده تضعیف همبستگی اجتماعی هستند و دلالت بر دینامیزی دارند که بی‌عدالتی‌های اجتماعی به بی‌انسجامی اجتماعی منجر شده است. نااطمینانی از اوضاع، احساس کنترل نداشتن بر شرایط معیشتی در نتیجه انواعی از عدم قطعیت‌ها، و احساس بی‌عدالتی و تبعیض به‌ویژه در گروه‌های درآمدی متوسط و پایین، انواعی از اضطراب‌ها، فشارهای روانی، و ناامیدی از سوژگی خود یا نسبت سوژگی خود با دستاوردهای احتمالی و به تبع آن ناامیدی از آینده را در پی دارد. در چنین وضعیتی احساس تعلق فرد به جامعه و نهادهای اجتماعی دچار فرسایش می‌شود. در عین حال با وضعیت دوگانه‌ای مواجه است که در نتیجه آن همچنان نگاهش معطوف به همان سازمان‌های عمومی‌ای است که هم وضعیت نابسامان خود را ناشی از عملکرد آن‌ها می‌داند و هم نسبت به موفقیت آن‌ها در حل مسائل نامطمئن است. پرسش‌هایی نظیر «چه می‌شود» و «چه خواهد شد» محصول همین موقعیت دوگانه‌ای است که بیش از هر چیز بر رفتار نظام سیاست‌گذاری دلالت دارد.

با این مصداق‌ها و روندها می‌توان گفت مسئله‌مندشدن «امید به آینده» در ایران بازتاب همین وضعیت بی‌ثبات و بی‌آینده است. هرچند طی سال‌های اخیر مقاله‌هایی درباره امید به آینده در ایران منتشر شده است، اما از منظر سیاست‌گذاری اجتماعی و همسویی واقعیت‌ها و پنداشت‌ها کمتر به آن پرداخته شده است. از این رو، پرسش اصلی مقاله حاضر نیز به نسبت بین پنداشت‌ها و روند سیاست‌ها و پیامدهای آن‌ها مربوط است. در این راستا، در این مقاله سعی شده ضمن مروری بر پژوهش‌های انجام شده درباره «امید به آینده»، وضعیت آن بر اساس داده‌های پیمایش‌های ملی دهه ۱۳۹۰ با محوریت پیمایش سلامت اجتماعی (۱۳۹۷) بررسی، و با داده‌های ثبتی شاخص‌های تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی مقایسه می‌شود.

منظر دیگری از اهمیت پرداختن به مسئله این است که طی سال‌های اخیر این گزاره مطرح می‌شود که نارضایتی‌های اجتماعی و اقتصادی بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد، مبتنی بر احساس و ادراک افراد است و وضعیت واقعی مطلوب‌تر از وضعیت احساس شده

از سوی افراد است. از این منظر، ارزیابی جامعه از وضعیت امروز و فردا نیز بیشتر معرف یک ارزیابی نسبی در مقایسه با «دیگری توسعه‌یافته» دانسته می‌شود. در ادامه این روایت، هم در ساحت درون حاکمیت و هم در بین طیفی از نخبگان این گزاره برجسته شده که یکی از چالش‌های امروز ایران سیاست‌های سخاوتمندانه دولت است.

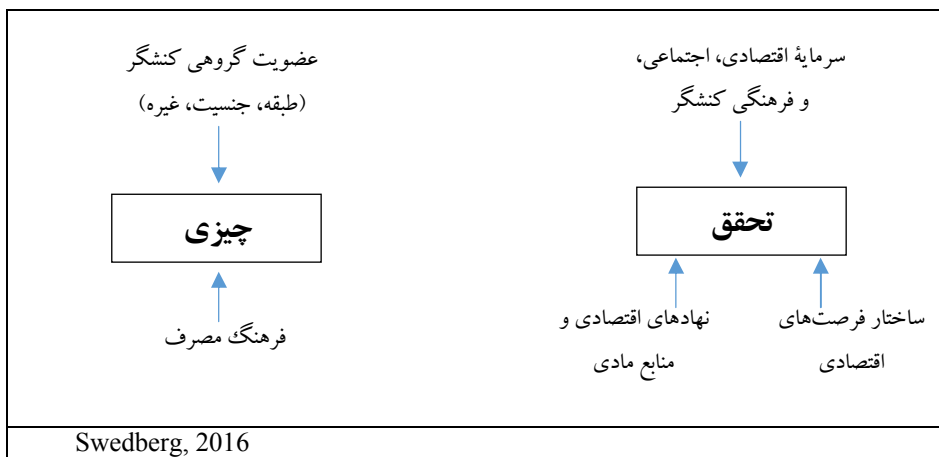
برای مثال، در پژوهش‌های سازمانی طی سال‌های اخیر در قلمروهایی نظیر نظام بیمه‌ای و بازنشستگی، نظام سلامت، یارانه‌های آشکار و ضمنی، آموزش عالی، و غیره مدام بر سخاوتمندی دولت تأکید شده (برای مثال نگاه کنید به صندوق بین‌المللی پول، ۱۳۹۶، مؤسسه مکنزی، ۱۳۹۵؛ وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰)، و این گزاره خود به‌عنوان یکی از عوامل احساس محرومیت در جامعه معرفی شده است. در این مقاله، تلاش می‌شود با محور قرار دادن مفهوم امید به آینده و ارزیابی جامعه از وضعیت خود و انطباق آن با روندهای شاخص‌های ثبتي نشان داده شود که پنداشت مردم از وضعیت خود بازتاب سیاست‌های حوزه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است.

مبانی نظری

امید در معنای مختلفی مفهوم‌سازی شده است: از جمله اعتماد بنیادین (Erikson, 1993)، پاسخ به شرایط (Mowrer, 1960)، انتظارات هدف (Stotland, 1969)، و تعلق معنوی (Pruyser, 1986). پرکاربردترین نظریه امید که از سوی اسنایدر و همکارانش^۱ (۱۹۹۱) یکی از پرکاربردترین نظریه‌ها درباره امید و تحول و اعتبارسنجی آن را مطرح کرده‌اند که بر روان‌شناسی مثبت دلالت دارد. اسنایدر امید را حالت مثبت انگیزشی مبتنی بر هم‌کنشی و هم‌افزایی دو عامل اساسی می‌داند: ۱. عاملیت (انرژی هدفمند) و ۲. مسیر (برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف). از این رو، تفکر امیدوارانه هدفمند است. عنصر عاملیت، ظرفیت استفاده از مسیرهای دستیابی به اهداف موردنظر، و بنابراین نمایانگر مؤلفه انگیزشی نظریه امید

1. Snyder

است. مسیر به‌عنوان عنصر دوم معرف ابزار دستیابی به اهداف و مستلزم اندیشه تولید و شناسایی مسیرهای قابل استفاده برای تحقق اهداف مطلوب است (Snyder, 2002: 250). چانگ امید را مفهومی مرتبط با مقابله با مسئله و حل آن می‌داند. او با آزمون‌های تجربی در میان دانش آموزان و دانشجویان استدلال می‌کند که وجود امید نشان‌دهنده تمایل عمومی به مشارکت در تلاش‌های آگاهانه معطوف به هدف است و به میزان قابل توجهی توانایی حل مسئله را بالا می‌برد و به‌طور مستقیم رضایت از زندگی و رفاه عمومی را ارتقا می‌دهد (Chang, 1998: 954, 960). میرسپاسی نیز (۱۳۸۸: ۴۱) در تعبیری امید را فراتر از امری فردی و روان‌شناسانه، و متضمن دو ویژگی «عملی بودن» و «استراتژی تغییر اجتماعی» بودن می‌داند. در این معنا، امید همراه با سوژگی و عمل معطوف به آینده است، اما این سوژگی تحت تأثیر انواعی از عوامل اقتصادی و اجتماعی است. سوئدبرگ از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی، امید را «آرزوی تحقق چیزی» تعریف می‌کند و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر امید را در پیوند با اقتصاد در جامعه مدرن برمی‌شمرد (Swedberg, 2016: 49).



شکل ۱- امید و پیوندهای آن با جامعه و اقتصاد

آنچه در صورت بندی سوئدبرگ از رابطه امید اجتماعی با جامعه و اقتصاد اهمیت دارد، نقش کنشگر به عنوان فاعل اجتماعی است که از یکسو با کنشگران متعدد و متکثری در محیط اجتماعی ارتباط دارد، و از سوی دیگر این محیط تحت منظومه ای از نهادهای حک شده اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته است، و فاعلیت در این محیط مستلزم وجود سطحی از اعتماد به این نهادها است. در اینجا پیوند روشنی بین امید اجتماعی و سیاست گذاری اجتماعی وجود دارد. فیتزپتریک^۱ (۱۳۸۱: ۱۵ و ۱۱۵) مضمون اصلی سیاست گذاری اجتماعی را تأکید آگاهانه بر تحول اجتماعی می داند و آن را مظهر فنون متضاد مجزا سازی مفاهیم منتج به برابری و پیوندزنی مسائل مختلف اقتصادی و سیاسی با گسترش برابری و آزادی می داند. به تعبیر کروچ و کین^۲ (۱۳۹۹: ۴۳۳) سیاست گذاری اجتماعی با پیشگیری و کنترل عدم قطعیت ها و مخاطره های این محیط نهادی زمینه را برای نقش فاعلی کنشگران در تحقق آنچه در عضویت های گروهی دنبال می کنند، فراهم می کند.

تیلور-گویی سیاست گذاری اجتماعی را در مواجهه با تأثیر تغییر اقلیم بر زندگی انسان، مسائل مربوط به مهاجرت و حقوق شهروندی، همبستگی اجتماعی، بی ثبات کاری، حداقل دستمزد و بردگی مدرن، نابرابری های منطقه ای، مواجهه با فقر، آموزش، و تحرک اجتماعی تعریف می کند و هدف سیاست گذاری اجتماعی را شناسایی و یافتن راه هایی برای کاهش نابرابری های اجتماعی بین گروه های اجتماعی می داند (Taylor-Gooby, 2019). بالداک و همکارانش نیز هدف سیاست گذاری اجتماعی را کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی می داند. نخست به این دلیل که نابرابری و رفاه انسانی یک مسئله اخلاقی است. چون به لحاظ اخلاقی، وجود شکاف زیاد در جامعه میان فقیر و غنی قابل دفاع و توجیه نیست. دوم اینکه، نابرابری و رفاه انسانی به این دلیل در سیاست گذاری اجتماعی مهم اند که به طور مستقیم بر شهروندی تأثیر می گذارند. زیرا انسان های محروم، امکان استفاده از حقوق

1. Fitzpatrick
2. Crouch and Keune

شهروندی خود را ندارند. بنابراین حتی در جوامعی که حق سیاسی به رسمیت شناخته شده است، رفاه محدود و فقر، عملاً دسترسی افراد را از مشارکت در نهادهای اصلی دموکراتیک کاهش می‌دهد (Baldock et al., 1999).

بنابراین در سطح ملی نابرابری به حقوق شهروندی افراد لطمه وارد می‌کند. از این رو، اهمیتی که سیاست‌گذاری اجتماعی به کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی می‌دهد نتیجه یک نگرانی اخلاقی و ارزشی است. میزان این اهمیت بسته به میزان تأثیرگذاری جنبش‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری اجتماعی را در محور برنامه‌های سیاسی قرار داده است. بر این اساس «سیاست‌گذاری اجتماعی با هدف برآورده کردن نیازهای اساسی انسانی که لازمه اقداماتی در راه کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است به سیاست‌های آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و تأمین اجتماعی توجه خاص دارد» (Bradshaw, 1972: 640). بر این اساس، سیاست‌گذاری اجتماعی چه در معنای تحول‌گرایانه و چه در معنای مددکارانه آن به دنبال زمینه‌سازی برای ایفای نقش فاعلیت شهروندان در مناسبات اجتماعی و سیاسی است، و به تعبیری آینده شهروندی ایجاب می‌کند که درباره امید به آینده در تخیلات و پنداره‌های سیاسی افراد محروم و مطرود از اجتماع هم اندیشید (Roy, 2022).

پیشینه تجربی

پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی درباره «امید به آینده» تماماً بر اساس گویه‌هایی از «نگرش پاسخگویان نسبت به آینده» است. وقتی پاسخگویان وضعیت آینده را در مؤلفه‌های مختلف بدتر از امروز می‌دانند، آیا درون این پاسخ نوعی محافظه‌کاری نهفته است یا به تعبیری نوعی جستجوی امید در گذشته؟ آیا این پاسخ‌ها به این معنا است که وضعیت امروز بهتر از فردا است؟ در واقع، ارزیابی پاسخگویان از آینده به نوعی نقد وضعیت و سیاست‌های فعلی و پیشین است؛ نوعی ارزیابی بازتابی و نقد تداوم و چسبندگی سیاست‌های فعلی. این

برداشت تداعی‌کننده تاریخی بودن مسئله امید است. همان‌طور که رورتی^۱ (۱۳۸۴: ۳۱۸) از منظر پراگماتیستی خود بر این نظر است که امید تنها معطوف به آینده نیست، بلکه برای نشان دادن آنچه منطقی می‌توانیم به تحققش در آینده امیدوار باشیم، به گذشته نیز معطوف است.

در جدول (۱) برخی از پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع امید و ارزیابی از آینده طی سال‌های اخیر نشان داده شده است. در بین پژوهش‌های پر استناد خارجی اکثر مطالعات نسبت امیدواری به آینده با متغیرهایی نظیر نشاط، رضایت از زندگی، و اشتغال‌سنجیده شده است. در برخی پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ملی رضایت از زندگی در ترکیه، درآمد و سطح رضایت از درآمد به‌عنوان مهم‌ترین عامل در ارزیابی امیدوارانه از آینده بوده است. در پژوهش پلیگینگ، برگر، و وناکسل که در دو موج در آمریکا انجام شده نیز بین امید و بهزیستی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و افزایش ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های اجتماعی در حوزه‌های شغلی، حمایتی، و افزایش بدهی تأثیر منفی معناداری بر ارزیابی بدبینانه از آینده دارد (Pleeging, Burger, Van Exel, 2019).

در کارهای نصر اصفهانی و جوادی یگانه (۱۳۹۸) و صفری شالی و طوافی (۱۳۹۷) ارزیابی از وضعیت فعلی عدالت اجتماعی رابطه معناداری با ارزیابی از آینده دارد. هرچه جامعه وضع امروز را ناعادلانه‌تر بداند، و خود را در طبقه پایین‌تری از جامعه تعریف و احساس کند، ارزیابی منفی‌تری از آینده دارد. بر اساس پژوهش مالمیر، امیرپناهی، و شکرانی (۱۳۹۸) که بر اساس داده‌های پیمایش ملی وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور انجام شده، متوسط امید اجتماعی در ایران رو به کاهش است. بر اساس این پژوهش استان‌هایی که روند رو به رشدی را تجربه کرده‌اند و امروز را بهتر از ۱۰ سال قبل ارزیابی می‌کنند، از آینده نیز ارزیابی امیدوارانه‌تری دارند.

1. Rorty

جدول ۱ - برخی پژوهش‌های خارجی و داخلی با موضوع امید به آینده

منبع	طرح تحقیق	متغیرها	ابزار گردآوری داده	مسئله تحقیق	نمونه	خلاصه یافته‌ها
اوزکک، سهین، و بالدمیر (۲۰۱۵)	پنل - ثانویه	سن، جنی است، وضعیت تأهل، سطح درآمد، سطح نشاط	پیمایش ملی رضایت از زندگی	ارزیابی سطح امید و عوامل مؤثر بر آن در ترکیه	۷۰۲۷ نفر در پیمایش ۲۰۱۰ و ۵۵۸۳۳ نفر در پیمایش ۲۰۱۳	عوامل تأثیرگذار بر امید در سال‌های مختلف متفاوت بوده است. رضایت از درآمد در هر دو مقطع تأثیر مثبتی بر امید داشته است، اما سایر متغیرها تأثیرهای متفاوتی داشته‌اند.
پچک و رادکلیم (۱۳۹۹)	فرا تحلیل	نشاط، رضایت از زندگی، رفاه ذهنی، کالایی‌زدایی، اشتغال، حقوق اجتماعی	ثانویه	ارزیابی دولت رفاه	پیمایش‌های رضایت از زندگی در سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۷۵ و پیمایش‌های ارزش‌های جهانی در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۱	کشورهایی که سطح بالایی از کالایی‌زدایی، تأمین حقوق اجتماعی، و فعالیت احزاب چپ را دارند، در رتبه‌های بالاتر نشاط و رضایت از زندگی قرار دارند.
پلیگینگ، برگر، و ناکسل (۲۰۱۹)	پنل - ثانویه	نشاط، رضایت از زندگی، امید شناختی، امید هیجانی	دو موج سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در آمریکا بر اساس پرسش‌نامه‌های استاندارد شده	رابطه بین امید و رفاه ذهنی	۵۱۷ نفر در موج اول و ۳۳۸ نفر در موج دوم	بین امید و بهزیستی رابطه محکمی برقرار است و انواع سیاست‌های مثبت و منفی نظیر افزایش ناامنی‌ها، قراردادهای موقت شغلی، افزایش بدهی، تضعیف توره‌های حمایتی بر رفاه ذهنی افراد تأثیر می‌گذارد.
نصر اصفهانی و جوادی یگانه (۱۳۹۸)	مقطعی	جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، تصور طبقاتی، رضایت از وضع مالی، رضایت از وضع اقتصادی کشور	داده‌های موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان - ۱۳۹۴	نگرش بازنشستگان از آینده	۱۱۹۸ نفر	هرچه فرد وضع کنونی را از نظر اقتصادی و اجتماعی ناعادلانه‌تر بداند، از افزایش عدالت در آینده ناامیدتر می‌شود. کسانی که خود را متعلق به طبقه پایین می‌دانند،

منبع	طرح تحقیق	متغیرها	ابزار گردآوری داده	مسئله تحقیق	نمونه	خلاصه یافته‌ها
						بیش از دیگران از بهبود شرایط در آینده ناامیدند.
صفری و شالی و طوافی (۱۳۹۷)	مقطعی	احساس امنیت، دینداری، نشاط اجتماعی، احساس عدالت اجتماعی، احساس مقبولیت اجتماعی، احساس محرومیت اجتماعی، ارضای نیاز، پایگاه اقتصادی و اجتماعی	پرسشنامه امیدواری میلر و پرسشنامه استاندارد شده آکسفورد	بررسی میزان امید به آینده و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهرانی	۶۱۰ نفر افراد بالای ۱۸ سال ساکن در تهران	میزان امید به آینده در تهران متوسط به بالا توصیف می‌شود و نشاط اجتماعی، احساس عدالت، و احساس مقبولیت بیشترین تأثیر را بر امید به آینده دارد. احساس محرومیت اثر منفی بر امید به آینده دارد.
مالمیر، امیرپناهی، و شکریانی (۱۳۹۸)	مقطعی	زمان	پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی- ۱۳۹۵	وضعیت امید اجتماعی در استان‌های کشور	۸۲۵۰۰ نفر از افراد بالاتر از ۱۸ سال شهری در ۳۱ استان کشور	امید اجتماعی در ایران رو به کاهش است. استان‌هایی که وضعیت کنونی‌شان بهتر از گذشته بوده، وضع آینده را نیز بهتر می‌دانند.

روش شناسی

تحقیق حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی است و داده‌های استفاده شده برگرفته از پیمایش‌های ملی دهه ۱۳۹۰ در حوزه مورد مطالعه و همچنین مرور تحلیلی اسناد است. تحلیل ثانویه با استفاده از تقاطع داده‌های پیمایش‌های ملی است. در این مقاله داده‌های موج اول پیمایش ملی سلامت اجتماعی محور قرار گرفته، که در سال ۱۳۹۷ از سوی شورای اجتماعی کشور انجام شده است. علت اینکه این پیمایش محور قرار گرفته این است که در گویه‌های آن ابعاد امید به آینده با بحث‌های تئوریک سیاست گذاری اجتماعی کاملاً منطبق است. نمونه این پیمایش ۱۷۰۷۸ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی ۳۱ استان کشور بوده است. محل سکونت، جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضع فعالیت، وضعیت

تأهل، و مذهب متغیرهای زمینه‌ای این پیمایش است. در این پیمایش وضعیت نگرش به آینده تحت عنوان «امید به آینده» در هشت محور مورد پرسش قرار گرفته است. این محورها عبارت‌اند از: وضع رفاهی، نشاط و شادابی مردم، پابندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، وضع اقتصادی، وضع وحدت و همدلی، وضع مسکن، وضع بهداشت و درمان، وضع اشتغال. دربارهٔ هر یک از این محورها یک پرسش مطرح شده و سه گزینه «بهتر می‌شود»، «تغییری نمی‌کند»، و «بدتر می‌شود» در مقابل پاسخگویان قرار گرفته است.

در ایران تاکنون وضعیت نگرش به آینده در پیمایش‌های مختلف ملی مورد پرسش قرار گرفته است. همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده، گویه‌های مختلفی در زمینه نگرش نسبت به آینده در موج‌های پیمایش‌های ملی مورد استفاده قرار گرفته است و به لحاظ گویه‌های به کار رفته، همپوشانی‌هایی بین پیمایش‌ها وجود دارد و این موضوع امکان مقایسه بین پیمایش‌های مختلف از منظر نگرش مردم به آینده را فراهم می‌کند.

جدول ۲- گویه‌های نگرش نسبت به آینده در پیمایش‌های ملی

گویه‌ها	سال‌های اجرا	پیمایش ملی
وضع رفاهی، پابندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، وضع اقتصادی، وضع وحدت و همدلی	۱۳۹۳ و ۱۳۹۷	سرمایه اجتماعی
موج ۱۳۸۲: فاصله فقیران و ثروتمندان، اوضاع سیاسی، جرم و جنایت، اعتیاد، رواج صفات خوب و بد اخلاقی، وضع تقید مذهبی موج ۱۳۹۴: وضع دینداری، وضعیت سیاسی، وضع جرائم، وضع اخلاقی، وضع فقر و نابرابری	۱۳۸۲ و ۱۳۹۴	ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان
وضع رفاهی، نشاط اجتماعی، پابندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، وضع اقتصادی، وضع وحدت و همدلی، وضع مسکن، وضع بهداشت و درمان، وضع اشتغال	۱۳۹۷	سلامت اجتماعی

با توجه به داده‌های در دسترس پیمایش‌های ملی سرمایه اجتماعی و ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، وضعیت نگرش به آینده در پیمایش سلامت اجتماعی با پیمایش‌های پیشین مقایسه می‌شود؛ مقایسه‌ای طولی برای ارزیابی روند نگرش مردم نسبت به آینده.

توصیف یافته‌ها

همان‌طور که بیان شد، در پیمایش سلامت اجتماعی ارزیابی پاسخگویان از اوضاع آینده، در هشت محور مورد پرسش قرار گرفته است. بر اساس داده‌های جدول (۳) ارزیابی پاسخگویان در هر هشت محور بالاتر از عدد تراز یک قرار دارد که به معنای ارزیابی منفی نسبت به آینده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، انتخاب گزینه «بدتر می‌شود» از سوی پاسخگویان در محورهای وضع اقتصادی، اشتغال، وضع مسکن، و وضع رفاهی بالاترین میزان است. پاسخگویان در دو محور بهداشت و درمان و وحدت و همدلی با نسبت کمتری گزینه «بدتر می‌شود» را انتخاب کرده‌اند، اما در هر هشت محور مورد بررسی، کمتر از ۲۰ درصد پاسخگویان ارزیابی مثبتی از آینده داشته‌اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی ارزیابی از آینده

نسبت	ارزیابی			محورها
	بدتر می‌شود	تغییری نمی‌کند	بهبتر می‌شود	
۳,۰۸	۶۳,۵	۲۴	۱۲,۵	وضع رفاهی
۲,۹۱	۶۰,۸	۲۷,۲	۱۲	نشاط و شادابی مردم
۲,۸۷	۶۰,۱	۲۸,۱	۱۱,۸	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی
۴,۲۶	۷۱,۹	۱۸,۲	۹,۹	وضع اقتصادی
۲,۳۲	۵۴,۹	۳۰	۱۵,۱	وضع وحدت و همدلی
۳,۴۲	۶۵,۵	۲۳,۸	۱۰,۷	وضع مسکن
۱,۹۵	۵۰,۷	۳۰,۷	۱۸,۶	وضع بهداشت و درمان
۴,۱۸	۷۱,۳	۱۸,۸	۹,۹	وضع اشتغال

در مقایسه با پیمایش ملی سرمایه اجتماعی که در سال ۱۳۹۷ انجام شده، نگرش مردم نسبت به آینده اوضاع اقتصادی و رفاهی بین دو پیمایش، بسیار شبیه است. در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که آخرین موج آن در سال ۱۳۹۴ انجام شده، وضع اقتصادی با گوئی «وضع فقر و نابرابری» سنجیده شده که در آن سال حدود ۶۳,۹ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که وضعیت طی پنج سال آینده بدتر خواهد شد. در دو محور دین و ترویج صفات اخلاقی نیز که در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها در دو محور مجزا بررسی شده است به ترتیب ۶۲,۹ و ۵۹,۹ درصد ارزیابی کرده‌اند که وضعیت طی پنج سال بعد بدتر خواهد شد. این ارزیابی به ارزیابی پاسخگویان از پابندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی در پیمایش سلامت اجتماعی نزدیک است.

۱- ارزیابی از آینده بر اساس متغیرهای زمینه‌ای

در پیمایش سلامت اجتماعی متغیرهای زمینه‌ای نظیر جنس، وضعیت تأهل، و مذهب رابطه معناداری با ارزیابی از آینده ندارند، اما مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی ارزیابی بدبینانه‌تری از آینده دارند، با افزایش سن ارزیابی از آینده مثبت‌تر است، و با افزایش سطح تحصیلات نگرش بدبینانه‌تری نسبت به آینده وجود دارد. در ادامه رابطه هریک از متغیرهای زمینه‌ای در محورهای مختلف موردسنجش، بررسی می‌شود.

به لحاظ وضع رفاهی، روستاییان بیش از شهری‌ها، جوانان (۱۸-۲۹ سال) بیش از میان‌سالان و سالمندان، افراد دارای تحصیلات بیش از افراد بی‌سواد، افراد بیکار و شاغل بیش از خانه‌دارها و محصل‌ها و بازنشسته‌ها، مجردها بیش از متأهل‌ها، و پاسخگویان اهل سنت بیش از شیعیان نسبت به آینده گزینه «بدتر می‌شود» را اظهار کرده‌اند.

در محور نشاط، مناطق روستایی بیش از شهری، جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی، بیکاران بیش از سایر گروه‌های فعالیتی، اهل سنت بیش از تشیع ارزیابی‌شان نسبت به آینده منفی است.

در زمینه پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی، روستاییان نسبت به شهری‌ها آینده را بدتر از امروز می‌دانند، جوانان گزینه «بدتر می‌شود» را بیش از دیگر گروه‌های سنی اظهار کرده‌اند، با افزایش سطح تحصیلات ارزیابی از آینده جامعه به لحاظ ارزش‌های اخلاقی و دینی بدتر شده است، افراد بیکار بیش از سایر گروه‌های فعالیتی، مجردها بیش از متأهل‌ها، و شیعه‌ها بیش از اهل سنت ارزیابی منفی از آینده دارند.

در محور وضعیت اقتصادی، ارزیابی مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری بدبینانه‌تر است، جوانان نسبت به سایر گروه‌های سنی گزینه «بدتر می‌شود» را بیشتر اظهار کرده‌اند، با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان ناامیدی به بهبود وضعیت اقتصادی افزایش یافته است، افراد بیکار آینده وضعیت اقتصادی را بدتر از سایر گروه‌های فعالیتی ارزیابی می‌کنند هرچند این نگاه بین شاغلان و خانه‌دارها نیز بالا است، مجردها نیز نسبت به متأهل‌ها ارزیابی بدبینانه‌تری نسبت به آینده دارند.

در زمینه همدلی و وحدت، تنها متغیرهای محل سکونت، سن، و وضع فعالیت رابطه معناداری دارند. بر اساس داده‌های پیمایش مناطق روستایی بیش از مناطق شهری، جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی، و بیکاران بیش از سایر گروه‌های فعالیتی وضعیت همدلی و وحدت در آینده را بدتر ارزیابی می‌کنند.

در محور وضعیت مسکن، ساکنان مناطق شهری بیش از مناطق روستایی وضعیت آینده مسکن را بدتر ارزیابی می‌کنند، گروه سنی ۵۴-۳۰ ساله نسبت به سایر گروه‌های سنی ارزیابی ناامیدانه‌تری از آینده دارند، به لحاظ متغیر سطح تحصیلات افراد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم بیش از سایرین ارزیابی بدبینانه‌ای نسبت به آینده وضعیت مسکن دارند، ارزیابی منفی افراد بیکار از وضعیت مسکن نسبت به سایر گروه‌های فعالیتی بیشتر است.

در زمینه وضعیت بهداشت و درمان، روستاییان بیش از شهری‌ها گزینه «بدتر می‌شود» را انتخاب کرده‌اند، گروه سنی ۵۴-۳۰ ساله بیش از سایر گروه‌های سنی وضعیت آینده را بدتر می‌داند، افراد بی‌سواد نگاه بدبینانه کمتری نسبت به سایرین دارند و افراد در سطح تحصیلات متوسطه بیش از دیگر گروه‌های تحصیلی ارزیابی منفی از وضعیت آینده

بهداشت و درمان دارند، افراد بیکار نیز در مقایسه با سایر گروه‌های فعالیتی نگاهی منفی‌تری نسبت به آینده وضعیت بهداشت و درمان دارند؛ البته تفاوت آن‌ها با شاغلان بسیار ناچیز است.

در محور اشتغال نیز روستاییان بیش از شهری‌ها بر این پنداشتند که وضعیت آینده بدتر می‌شود، جوانان بیش از سایر گروه‌های سنی نسبت به وضعیت اشتغال در آینده بدبین‌اند، افراد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم آینده وضعیت شغلی را بدتر از سایرین می‌دانند؛ هرچند با افراد دارای تحصیلات عالی تفاوت زیادی در این زمینه ندارند، افراد بیکار بیش از سایر گروه‌های فعالیتی بر این باورند که آینده وضعیت اشتغال بدتر از امروز خواهد بود؛ هرچند در این زمینه پنداشت افراد شاغل و خانه‌دار نیز تفاوت زیادی با افراد بیکار ندارد.

۲- ارزیابی از آینده در استان‌های مختلف

در جدول (۴) وضعیت ارزیابی پاسخگویان در استان‌های مختلف بر اساس محورهای هشت‌گانه پیمایش سلامت اجتماعی نشان داده شده است. استان لرستان با میانگین بالای ۶، خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی را از آینده دارد. استان‌های خوزستان، گلستان، بوشهر، و گیلان نیز در بازه ۵،۴ تا ۵،۶ در مقایسه با سایر استان‌ها در وضعیت امیدوارانه‌تری نسبت به آینده قرار دارند. بدبینانه‌ترین ارزیابی از آینده با میانگین ۱،۸ مربوط به استان قزوین است. استان‌های کرمانشاه، کردستان، و همدان نیز میانگین کمتر از ۳ دارند و ارزیابی بدبینانه‌ای نسبت به آینده دارند. در این پیمایش ملی، میانگین ارزیابی پاسخگویان از آینده ۴،۰۱ بوده است.

جدول ۴- سطح‌بندی استان‌ها بر اساس میانگین ارزیابی امید به آینده از نظر پاسخگویان

استان	میانگین
لرستان، خوزستان، گلستان، بوشهر، گیلان	بیش از ۵
آذربایجان شرقی، تهران، اردبیل	۴،۴-۵
ایلام، اصفهان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، یزد، فارس، خراسان	۳،۳-۴،۳

استان	میانگین
جنوبی، البرز	
خراسان شمالی، سمنان، کرمان، هرمزگان، قم، زنجان، مرکزی، خراسان رضوی، کهگیلویه و بویراحمد	۳-۳,۶
همدان، مازندران، کردستان، کرمانشاه، قزوین	کمتر از ۳

مقایسه نتایج پیمایش سلامت با پیمایش شادکامی مردم ایران که در سال ۱۳۹۷ با حدود ۲۸ هزار نمونه از افراد ۶۴-۱۸ ساله در کشور برگزار شد، همخوانی معناداری دارد. برای مثال، در پیمایش شادکامی استان‌ها، گلستان و بوشهر در زمره شادترین استان‌ها هستند، و این دو استان در پیمایش سلامت اجتماعی نیز جزو استان‌هایی هستند که بالاترین میزان امیدواری نسبت به آینده را دارند. نتایج پیمایش سلامت اجتماعی با آخرین موج پیمایش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۷) در زمینه ارزیابی از آینده نیز انطباق نسبتاً بالایی دارد. با وجود اینکه اکثر محورهای پیمایش سلامت اجتماعی با مسائل رفاهی و فقر مرتبط است، اما همپوشی معناداری بین داده‌های این پیمایش با آخرین مطالعات وضعیت فقر چندبعدی^۱ در استان‌ها دیده نمی‌شود. برای مثال، بر اساس مطالعه سوری (۱۳۹۷)، استان‌هایی نظیر مازندران، البرز، سمنان، و قم در شاخص فقر چندبعدی وضعیت مناسبی دارند، اما همین استان‌ها در پیمایش سلامت اجتماعی در وضعیت نامناسبی قرار گرفته‌اند. اما به‌طور کلی، به‌ویژه در زمینه استان‌هایی که از فقر چندبعدی نسبتاً بالایی برخوردارند، رابطه معناداری بین نتایج پیمایش سلامت اجتماعی و مطالعه فقر چندبعدی مشاهده می‌شود.

درباره وضع رفاهی، دو استان لرستان و خوزستان تنها استان‌هایی هستند که فراوانی پاسخگویانی که وضعیت بدبینانه‌ای از آینده رفاهی دارند کمتر از ۵۰ درصد است؛ به ترتیب حدود ۴۰ و ۴۳ درصد. همچنین دو استان لرستان و گلستان تنها استان‌هایی هستند که بالای ۲۰ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که وضعیت آینده بهتر خواهد شد. بر اساس

1. Multi-Dimensional Poverty Index (MPI)

مطالعه وضعیت فقر در ایران این سه استان در زمره ۱۰ استان با جمعیت بالای زیرخط فقر مطلق قرار دارند، و در این میان لرستان در مقایسه با سایر استان‌ها، طی دهه منتهی به سال ۱۳۹۴ بیشترین افت را در رتبه‌بندی فقر مطلق داشته است و از جایگاه نوزدهم به جایگاه هفتم سقوط کرده است.

در محور نشاط، گلستان تنها استانی است که بیش از ۲۰ درصد پاسخگویان (۲۵,۱ درصد) وضعیت آینده را بهتر ارزیابی کرده‌اند. در استان‌های کردستان، کرمانشاه، قزوین، مازندران، و خراسان شمالی ارزیابی بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان از وضعیت نشاط و شادکامی مردم در آینده این است که وضع بدتر خواهد شد. در این زمینه، کردستان (۸۵,۴ درصد) و کرمانشاه (۸۴,۲ درصد) بدبینانه‌ترین ارزیابی را دارند.

در محور پابندی به ارزش‌های دینی و اخلاقی تنها در دو استان گیلان و گلستان بیش از ۲۰ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که اوضاع در آینده بهتر می‌شود. به ترتیب استان‌های کرمانشاه، قزوین، کردستان، مازندران، و همدان بالاترین میزان ارزیابی منفی از آینده را در این زمینه دارند.

در بین محورهای پیمایش، بدبینانه‌ترین ارزیابی از آینده مربوط به اوضاع اقتصادی است و حدود ۷۲ درصد پاسخگویان در کشور وضعیت آینده اقتصادی را «بدتر می‌شود» ارزیابی کرده‌اند. در بین استان‌ها، بدبینانه‌ترین ارزیابی مربوط به استان مازندران (۸۵,۳ درصد) است و علاوه بر این استان، در استان‌های یزد، همدان، هرمزگان، کرمانشاه، کردستان، قم، قزوین، و خراسان شمالی نیز بالای ۸۰ درصد پاسخگویان ارزیابی ناامیدانه‌ای از آینده وضعیت اقتصادی کشور دارند. ضعف و ناکارآمدی در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و ماندگاری بالای مسائل و شدت یافتن آن‌ها از یکسو و شدت یافتن تحریم‌ها در مقطع زمانی انجام پیمایش از سوی دیگر موجب شده تا جامعه نسبت به کارآمدی نظام سیاسی در استفاده از ظرفیت‌های حل مسائل بی‌اعتماد شود؛ موضوعی که در پیمایش سرمایه اجتماعی نیز بازتاب داشته است. پیمایش سلامت اجتماعی در زمانی اجرا شده که جامعه به‌طور جدی تحت تأثیر دو شوک اقتصادی در حوزه‌های نرخ ارز و

مسکن بوده و تجربه سنگین ناشی از این دو شوک و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن موجب شده تا ارزیابی بدبینانه‌ای نسبت به آینده داشته باشند.

در ارزیابی از آینده وحدت و همدلی، استان‌های گیلان، خوزستان، و لرستان کمترین فراوانی در اظهار گزینه «بدتر می‌شود» را دارند. در استان قزوین حدود ۸۰ درصد و در استان کرمانشاه ۷۷,۲ درصد پاسخگویان ارزیابی منفی از وضعیت وحدت و همدلی در آینده دارند. بالاترین ارزیابی امیدوارانه در این محور مربوط به استان بوشهر است با ۲۵,۵ درصد پاسخگویان.

در زمینه مسکن استان‌های قزوین، کرمانشاه، مازندران، و همدان بالاترین ارزیابی بدبینانه را نسبت به آینده دارند. فراوانی انتخاب گزینه «بدتر می‌شود» تنها در سه استان خوزستان، گیلان، و لرستان کمتر از ۵۰ درصد است، و در ۱۶ استان فراوانی انتخاب گزینه «بهتر می‌شود» کمتر از ۱۰ درصد است. فراوانی گزینه «بهتر می‌شود» در استان‌های قزوین و مرکزی به ترتیب ۲,۵ و ۳,۱ درصد است.

در محور بهداشت و درمان، به‌رغم آنکه فراوانی انتخاب گزینه «بدتر می‌شود» در مقایسه با سایر محورها پایین‌تر است؛ حدود ۵۰,۷ درصد، اما تنها در ۱۱ استان انتخاب گزینه «بهتر می‌شود» بالاتر از ۲۰ درصد است. گلستان تنها استانی است که بیش از ۳۰ درصد پاسخگویان (۳۰,۳ درصد) گزینه «بهتر می‌شود» را در ارزیابی از آینده وضعیت بهداشت و درمان انتخاب کرده‌اند. در استان قزوین حدود ۷۶ درصد پاسخگویان گزینه «بدتر می‌شود» را انتخاب کرده‌اند.

در محور اشتغال نیز مانند محور وضع اقتصادی بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان گزینه «بدتر می‌شود» را در ارزیابی وضعیت آینده انتخاب کرده‌اند. بالاترین درصد فراوانی در انتخاب گزینه «بهتر می‌شود» مربوط به استان لرستان با ۲۱,۴ درصد است. فراوانی انتخاب گزینه «بهتر می‌شود» در ۱۷ استان پایین‌تر از ۱۰ درصد است. در استان‌های قزوین، کردستان، کرمانشاه، مازندران، مرکزی، و همدان بالای ۸۰ درصد پاسخگویان ارزیابی بدبینانه از آینده وضعیت اشتغال دارند. خوزستان تنها استانی است که کمتر از ۵۰ درصد

پاسخگویان (۴۸,۶ درصد) گزینه «بدتر می‌شود» را در ارزیابی وضعیت اشتغال انتخاب کرده‌اند. بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، و سیستان و بلوچستان بالاترین آمار بیکاری در تابستان ۱۳۹۷ را داشته‌اند و در تابستان ۱۳۹۸ وضعیت کهگیلویه و بویراحمد بهبود نسبتاً خوبی داشته، اما استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان همچنان جزو استان‌های با درصد بالای بیکاری بوده‌اند. نکته قابل‌اعتنایی که به‌ویژه درباره دو استان مرکزی و خوزستان وجود دارد اینکه این دو استان در سال ۱۳۹۷ بالاترین سطح اعتراض‌های کارگری را تجربه کردند. هپکو در استان مرکزی و کشت و نیشکر هفت‌تپه در استان خوزستان در سال‌های اخیر از مسائل جدی در حوزه کارگری بوده است.

بحث و جمع‌بندی

بر اساس یافته‌های مربوط به ارزیابی جامعه از آینده در پیمایش سلامت اجتماعی، بالاترین سطح ارزیابی بدبینانه و ناامیدانه نسبت به آینده مربوط به محورهای اقتصادی و رفاهی است. این ارزیابی صرفاً مبتنی بر پنداشت و احساس پاسخگویان نیست، بلکه با وضعیت واقعاً موجود این حوزه‌ها همخوانی دارد. این وضعیت در پنداشت جامعه از مؤلفه‌های مختلف مرتبط با سلامت اجتماعی و امید به آینده در آخرین موج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵) نیز بازتاب داشته است و حدود ۸۰ درصد پاسخگویان بیکاری، تورم، فقر، و مسائل اقتصادی را مهم‌ترین و اولویت‌دارترین مشکلات پیش روی جامعه دانسته‌اند. بر اساس یافته‌های آخرین موج پیمایش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۴) بیکاری، تورم، فقر، و نابرابری‌های اجتماعی مشکلاتی هستند که نظام کم‌ترین موفقیت را در مواجهه با آن‌ها داشته است.

پایداری مشکلات موجب شده تا حدود ۶۵ درصد پاسخگویان در ارزیابی خود نسبت به توانایی و ظرفیت نظام در حل این مشکلات بی‌اعتماد شوند و تنها ۶,۵ درصد به موفقیت نظام در مواجهه با چنین چالش‌هایی امیدوار باشند. برای مثال، کمتر از ۷ درصد

پاسخگویان نسبت به رفع مشکل بیکاری، حدود ۱۰٫۵ درصد نسبت به رفع مشکل فقر، و حدود ۱۱ درصد نسبت به رفع مشکل تورم امیدوار بوده‌اند. این در حالی است که پس از یک دوره روند افزایشی تورم طی سال‌های ۹۲-۱۳۸۹ و رسیدن تورم به حدود ۳۵ درصد، بر اساس داده‌های رسمی از سال ۱۳۹۳ روند تورم کاهش یافته و در سال ۱۳۹۴ به کمتر از ۱۲ درصد رسیده بود، اما به دلیل جهشی بودن تورم در سال ۱۳۹۲، روند کاهشی آن تأثیر مثبت معناداری بر وضعیت معیشتی جامعه ایجاد نکرد.

همین وضعیت در زمینه فقر مطلق هم مشاهده می‌شود، بدین معنا که افزایش شدید جمعیت زیرخط فقر مطلق در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۲ (سوری، ۱۳۹۷) موجب شد که روند کاهش جزئی آن در سال‌های ۹۶-۱۳۹۴ چندان تأثیری بر پنداشت و ارزیابی جامعه از وضعیت واقعاً موجود نداشته باشد. نکته مهم این است که هر دوی این شاخص‌ها از اواسط سال ۱۳۹۶ وارد روند افزایشی شدند. چنین بی‌ثباتی‌ها و نوسان‌های نسبتاً شدیدی در شاخص‌های عینی تأثیرگذار بر معیشت جامعه موجب می‌شود تا ارزیابی نسبت به آینده منفی شود. به یک معنا جامعه به درستی پنداشتی روندی و نسبتاً تاریخی از وضعیت موجود خود دارد.

بررسی نظر پاسخگویان در زمینه ارزیابی از آینده در محورهای مشترک سه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، و سلامت اجتماعی نشان می‌دهد ارزیابی از آینده وضع سیاسی در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۲ نسبتاً امیدوارانه‌تر شده است، به طوری که درصد فراوانی پاسخگویانی که «بدتر می‌شود» را برگزیده‌اند تقریباً نصف شده است و انتخاب گزینه «بهتر می‌شود» نیز ۱۰ درصد رشد داشته است. اما با این وجود، در حوزه‌های اخلاقی و اقتصادی ارزیابی مثبتی نسبت به بهبود اوضاع وجود ندارد و صرفاً انتخاب گزینه «تغییر نمی‌کند» بیشتر شده است (جدول ۵).

جدول ۵- نگرش به آینده در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان

۱۳۹۴			۱۳۸۲			سال محور
فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	بهتر می‌شود	فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	بهتر می‌شود	
۲۵	۶۴٫۸	۱۰٫۲	۱۳٫۵	۷۳٫۷	۱۲٫۸	وضعیت دینداری
۳۱٫۴	۲۲٫۲	۴۶٫۴	۱۹	۴۴٫۴	۳۶٫۶	وضع سیاسی
۲۶٫۳	۵۲٫۶	۲۱٫۲	۹٫۲	۷۴٫۱	۱۶٫۷	وضع جرائم
۱۱٫۲	۷۹٫۴	۹٫۴	۶	۸۷٫۴	۶٫۶	رواج صفات اخلاقی منفی
۱۵٫۵	۱۳٫۵	۷۱	۱۲٫۷	۷۱٫۶	۱۵٫۷	رواج صفات اخلاقی مثبت
۱۵٫۶	۷۶	۸٫۴	۵٫۱	۸۶٫۸	۸٫۱	فاصله ثروتمندان و فقیران

آخرین موج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۹۴ و در روزهای پس از برجام انجام شده است. برجام موجب شده تا ارزیابی نسبت به آینده وضع سیاسی تاندازه‌ای بهبود پیدا کند، و این خوش‌بینی در مناطق روستایی و شهرهای غیر مرکز استان‌ها بیشتر هم بوده است، اما به همان اندازه در محور اقتصادی ارزیابی مثبتی ایجاد نکرده است. به عبارتی در پنداشت پاسخگویان بین بهبود وضعیت سیاسی و بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی رابطه معناداری ارزیابی نشده است. بر اساس یافته‌ها، آخرین موج سرمایه اجتماعی هم در مقایسه با موج قبلی آن (سال ۱۳۹۳) و هم در مقایسه با آخرین موج ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (سال ۱۳۹۴)، ارزیابی نسبت به آینده در همه محورها به میزان شدیدی منفی شده است (جدول ۶).

جدول ۶- نگرش به آینده در پیمایش سرمایه اجتماعی

۱۳۹۷			۱۳۹۳			سال محور
فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	بهتر می‌شود	فرقی نمی‌کند	بدتر می‌شود	بهتر می‌شود	
۲۴	۶۳,۵	۱۲,۵	۳۳,۴	۳۲,۱	۳۴,۵	وضع رفاهی
۲۸,۱	۶۰,۱	۱۱,۸	۴۰,۵	۳۲,۷	۲۶,۸	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی
۱۸,۲	۷۱,۹	۹,۹	۲۸,۹	۴۶,۶	۲۴,۴	وضع اقتصادی
۳۰	۵۴,۹	۱۵,۱	۳۹,۱	۳۲,۵	۲۸,۴	وضع وحدت و همدلی

فراوانی هر دو گزینه «بهتر می‌شود» و «تغییر نمی‌کند» به شدت کاهش یافته و فراوانی گزینه «بدتر می‌شود» افزایش یافته است. در محورهای مشترک، نتایج موج آخر پیمایش سرمایه اجتماعی با پیمایش سلامت اجتماعی کاملاً منطبق است. هر دو پیمایش در سال ۱۳۹۷ انجام شده‌اند. خروج آمریکا از برجام و دو شوک قیمتی در حوزه مسکن و ارز، و تورم بالای سبد معیشتی خانوارها در سال ۱۳۹۷ وضعیت متلاطمی را به لحاظ اقتصادی ایجاد کرد. بر اساس برآوردهای انجام شده در وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی (۱۳۹۷)، در نتیجه تحریم‌ها بیش از ۲ میلیون نفر طی سال‌های ۹۷-۱۳۹۶ به جمعیت زیرخط فقر مطلق افزوده شده است. بخش گسترده‌ای از جامعه به این احساس رسیده که دستاوردهای متناسب با تلاش‌هایش ندارد، و در چنین شوک‌هایی بخشی از دستاوردهای قبلی خود را نیز به یکباره از دست می‌دهد.

طی ۱۵ ساله اخیر حتی در دوره وفور منابع نفتی، جمعیت زیرخط فقر مطلق رو به افزایش بوده است. بر اساس پژوهش سوری (۱۳۹۷) در دوره زمانی ۹۴-۱۳۸۴ جمعیت زیرخط فقر مطلق با رشدی بسیار زیاد به ۲۵,۷ درصد رسیده است. در پژوهش‌های دیگر از جمله گزارش وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی (۱۳۹۳) نیز روند افزایشی فقر در این دوره زمانی تأیید شده است. بر اساس پژوهش سوری (۱۳۹۷) در این دوره زمانی در مناطق شهری و روستایی دو جهش جدی رخ داده است؛ سال ۱۳۸۵ جمعیت زیرخط فقر مطلق در

مناطق شهری حدود ۳ برابر شده و در سال ۱۳۸۷ جمعیت زیرخط فقر مطلق در مناطق روستایی حدود ۲,۵ برابر شده است. شوک قیمتی سال‌های بعد نیز بر آن افزوده، به طوری که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸) برآورد شده است که جمعیت زیرخط فقر مطلق در پایان سال ۱۳۹۷ ممکن است به حدود ۴۰ درصد برسد.

در پیمایش سلامت اجتماعی، تنها هشت استان در مقایسه با سایر استان‌ها از میانگین بهتری برخوردارند، و گرنه به طور کلی همان‌طور که در بخش توصیفی نشان داده شد، وضعیت ارزیابی از آینده در سطح کشور وخیم است. از میان استان‌ها، وضعیت خوزستان تا اندازه‌ای پارادوکسیکال است، به این معنا که ارزیابی مردم از آینده تقریباً نسبتی با واقعیت‌های این استان ندارد. خوزستان بر اساس گزارش‌های مختلف وضعیت پیچیده و بغرنجی دارد و طی سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف از جمله اعتراض‌های کارگری، اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، اعتراض‌های آبان‌ماه ۱۳۹۸، و تیرماه ۱۴۰۰ سطح گسترده و شدیدی از اعتراض را تجربه کرده است. طبیعتاً برای تحلیل چنین وضعیتی نمی‌توان به داده‌های پیمایش اکتفا کرد و به پژوهش‌ها و داده‌های کیفی در این زمینه نیاز است.

همچنین نکته‌ای که درباره استان‌های محرومی نظیر سیستان و بلوچستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی وجود دارد این است که در نسبت با وضعیت محرومیتی که دارند، ارزیابی‌شان از آینده در مقایسه با سایر استان‌ها در وضعیت متوسط قرار دارد. برای مثال استان‌های سیستان و بلوچستان و لرستان که بر اساس آخرین مطالعات در بدترین وضعیت به لحاظ فقر چندبعدی قرار دارند و بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۷ تورم به مراتب بالاتری را نسبت به میانگین کشور تجربه کرده‌اند، اما در پیمایش سلامت اجتماعی در مقایسه با بسیاری از استان‌های برخوردارتر، ارزیابی کمتر بدبینانه‌ای نسبت به آینده دارند. مسئله مهم و هشداردهنده دیگری که در پراکندگی استان‌های با ارزیابی بدبینانه‌تر نسبت به آینده وجود دارد، مرزی بودن آن‌ها است به طوری که تمام استان‌های مرزهای غربی، شرقی، و جنوبی کشور؛ به جز خوزستان و

بوشهر، در وضعیت پایین‌تر از میانگین قرار دارند. وضعیت استان‌ها در پیمایش‌های سلامت اجتماعی و سرمایه اجتماعی تقریباً یکسان است.

همان‌گونه که پچک و رادکلیف (۱۳۹۹) در پژوهش خود استدلال کرده‌اند به لحاظ سیاست‌گذاری، نسبت مستقیم و معناداری بین میزان کالایی‌زدایی (وضعیتی که در آن خانواده‌ها بتوانند مستقل از نیروهای بازار به شرایط استاندارد زندگی دسترسی داشته باشند)، حقوق اجتماعی، و حضور و تأثیر جریان‌های چپ در فضای سیاسی بر رضایت از زندگی و ارزیابی مثبت از آینده وجود دارد. این در حالی است که روند سیاست‌گذاری طی سه دهه اخیر در ایران عکس این وضعیت بوده است و روند مداومی از کالایی شدن حیات اجتماعی (برای مثال در حوزه‌هایی نظیر آموزش، سلامت، مسکن) و تضعیف و تحدید مداوم حقوق اجتماعی (برای مثال بی‌ثباتی و ناامنی شغلی از طریق موقتی‌سازی گسترده قراردادهای شغلی، منجمد کردن دستمزد، تشکل‌زدایی از نیروی کار، تحدید نهادهای مدنی) طی شده است. آنچه پچک و رادکلیف (۱۳۹۹) بر آن تأکید دارند، مرتبط با قلمروهای اصلی سیاست‌گذاری اجتماعی است که بخش اصلی ارزیابی از آینده در پیمایش سلامت اجتماعی را در برمی‌گیرد. بررسی برخی روندها در زمینه‌های مرتبط با ایران می‌تواند وضعیت ارزیابی بدبینانه از آینده را روشن‌تر کند.

در حوزه آموزش عمومی طی سه دهه گذشته روندی از خصوصی‌سازی و کالایی‌سازی طی شده است به‌طوری‌که بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰)، ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۸ بالاترین نرخ خصوصی‌سازی در مقطع متوسطه را داشته است. بر اساس آخرین سالنامه آماری آموزش و پرورش (۱۳۹۸) در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ سهم دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به ۱۳ درصد رسیده است و در برخی مناطق آموزشی کلان‌شهرها نزدیک به ۸۰ درصد مدارس در اختیار بخش غیردولتی است. در این روند، سهم مشارکت دولت در تأمین مالی آموزش هم روند نزولی داشته است. بر اساس گزارش یونسکو (۲۰۱۹)، در جهان به‌طور متوسط ۸۲ درصد منابع مالی آموزش عمومی از سوی دولت‌ها و مابقی از سوی نهادها و خیریه‌ها و خانواده‌ها تأمین می‌شود که این میزان در

کشورهای اروپایی حدود ۹۰ درصد و در ۱۲ کشور اروپایی بالای ۹۹ درصد است. این نسبت در ایران با لحاظ سهم بازارهای سایه و شهریه پرداختی خانواده‌ها به مدارس (اعم از دولتی و غیرانتفاعی) کمتر از ۶۵ درصد است، که با متوسط جهانی فاصله زیادی دارد (وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹: ۶۲).

در حوزه سلامت نیز، پرداخت از جیب در ایران (۴۴ درصد در سال ۱۳۹۶) به‌رغم اجرای طرح تحول سلامت، بیش از ۲ برابر متوسط جهانی است.^۱ بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (۲۰۲۰) ایران در بین ۲۴ کشور منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی در شاخص نسبت تخت بیمارستانی به جمعیت رتبه ۱۶ و در نسبت پزشک به جمعیت در جایگاه ۱۷ قرار دارد.

بنا به گزارش وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹) بیش از یک‌سوم شاغلان کشور (بیش از ۷,۶ میلیون نفر) در مشاغل غیررسمی اشتغال دارند. در این گزارش، منظور از شاغلان غیررسمی آن دسته از شاغلانی هستند که تحت پوشش هیچ بیمه اجتماعی قرار ندارند و عضو هیچ نظام صنفی هم نیستند. بر اساس سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی (۱۴۰۰) در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۴,۵ میلیون نفر تحت پوشش این سازمان قرار دارند.^۲ با احتساب بیمه‌شدگان سایر صندوق‌ها، کمتر از ۶۰ درصد شاغلان کشور تحت پوشش بیمه اجتماعی هستند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰) بررسی تحولات بازار کار طی دو دهه اخیر

۱- بر اساس جدول ماده ۷۸ قانون برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، سهم پرداخت از جیب مردم در حوزه سلامت در پایان سال ۱۳۹۵ معادل ۵۸ درصد برآورد شده است.

۲- لازم است به این ملاحظه مهم آماری توجه شود که آمار ۱۴,۵ میلیون بیمه‌شده به این معنا نیست که ۱۴,۵ میلیون نفر از شاغلان کشور تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار دارند. بر اساس برآوردها از این تعداد حدود ۴۰۰ هزار نفر کسانی هستند که در دو کارگاه شاغل هستند و با توجه به سقف بیمه‌پردازی، در هر دو کارگاه برای آن‌ها حق بیمه پرداخت می‌شود و از این رو این افراد دو بار در محاسبات شمرده می‌شوند. همچنین به لحاظ مفهومی بین «بیمه‌شده» و «بیمه‌پرداز» تفاوت وجود دارد به این معنا که بخشی از بیمه‌شده‌ها در زمان تحلیل آماری ممکن است از گروه بیمه‌پردازان به دلیل بیکاری موقت یا هر دلیل دیگری خارج شده باشند.

نشان می‌دهد که مشاغل ایجاد شده بی‌ثبات‌تر و پوشش بیمه‌ای پایین‌تری داشته‌اند و بیش از ۶۰ درصد این مشاغل در بنگاه‌های خرد (یک تا چهار نفر کارکن) هستند. همچنین بر اساس گزارش منوری و قیصری (۱۳۹۸) به‌رغم آمار بالای بیکاری در کشور تنها ۸,۶ درصد بیکاران تحت پوشش بیمه بیکاری هستند. این در حالی است که میانگین پوشش بیمه بیکاری در جهان حدود ۳۰ درصد و در کشورهایی نظیر بلژیک، فنلاند، سوئیس، فرانسه، هلند بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد بیکاران تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند.

بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۴۰۰) مستمری‌های بازنشستگی از کفایت کافی برخوردار نیستند به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۸ میانگین مستمری بازنشستگان نسبت به میانگین هزینه خانوارهای شهری حدود ۵۶,۶ درصد بوده است؛ در سازمان تأمین اجتماعی حدود ۵۴ درصد و در صندوق بازنشستگی کشوری ۷۴ درصد. نا برخوردار از منابع کافی برای معیشت محدود به بازنشستگان نیست. بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹) در سال ۱۳۹۸ خانوارهای شهری با هزینه ماهانه بالای ۴,۳ میلیون تومان جزو سه دهک پردرآمد کشور محسوب می‌شده‌اند. در این سال درحالی‌که هزینه‌های خانوار حدود ۲۷ درصد نسبت به سال قبل بیشتر شده، اما با توجه به تورم بالای ۳۴ درصد، عملاً سطح زندگی نازل‌تری نسبت به سال ۱۳۹۷ داشته‌اند و روند افت کیفیت زندگی در ابعاد مختلف مصرفی اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و اوقات فراغت نمود داشته است. بر اساس همین گزارش در فاصله سال‌های ۹۸-۱۳۹۰ نسبت درآمدی ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک از ۱۰ برابر به ۱۴ برابر افزایش یافته است که نشان از تشدید نابرابری درآمدی در کشور دارد.

یافته‌های پیمایش‌های دهه اخیر به‌روشنی نشان می‌دهد که جامعه طی زمان ارزیابی کاهنده‌ای از سطح انطباق میان اولویت‌های خود با اولویت‌های نظام سیاسی می‌بیند یا به این پنداشت رسیده که اولویت‌های جامعه در مسائل اقتصادی و اجتماعی در نظام اولویت‌گذاری و تخصیص منابع در سطح ثانویه قرار دارند.

مسئله اعتماد در ساحت سیاسی و اجتماعی تا حد زیادی بر بی‌اعتمادی عمومی و بی‌اعتمادی جامعه نسبت به دولت و نهادها و سازمان‌های حکمرانی دلالت دارد. به عبارتی، مسئله اعتماد از منظر جامعه و در نسبت با «خود» و «دولت» سنجیده می‌شود. اما سوییۀ دیگری از اعتماد وجود دارد که چه‌بسا خود یکی از عوامل تأثیرگذار در افزایش بی‌اعتمادی مردم به نظام سیاسی است و آن عبارت است از بی‌اعتمادی نظام سیاسی به مردم و بی‌اعتمادی‌های موجود درون نظام. می‌توان در سطوح سیاست‌گذاری مصداق‌های زیادی از بی‌اعتمادی جدی نظام سیاسی به جامعه را مشاهده کرد. به نظر می‌رسد این سوییۀ مسئله اعتماد حتی می‌تواند پیامدهای بسیار زیان‌بارتری داشته باشد، که نمونه نزدیک آن در ماجرای شوک قیمتی بنزین در آبان ماه ۱۳۹۸ بروز یافت.

روند بی‌اعتمادی از نظام‌های سیاسی هم‌زمانی زیادی با روند عقب‌نشینی دولت‌ها از مسئولیت‌های اجتماعی دارد. کاستلز^۱ (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های ریاضتی و کاهش هزینه‌های اجتماعی به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر سلامت و آموزش به تشدید احساس بی‌عدالتی در بین شهروندان و گسست رابطه آن‌ها با نظام سیاسی منجر می‌شود. او تأکید می‌کند که اگر این روند با جهت‌دادن منابع به سوی منافع گروه‌های صاحب ثروت و قدرت از طریق تسخیر سیاست‌گذاری همراه باشد، موجب می‌شود تا فرایندهای سیاسی به سازوکارهای خودنابودگر مشروعیت‌نهادی تبدیل شوند و فضیلت مورد ادعای سیاست، در خدمت پنهان کردن کاستی‌های آن درآید (کاستلز، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۵). این وضعیت به تعبیر سوپو^۲ (۱۳۹۶) به نگون‌بختی دولت اجتماعی می‌انجامد؛ دولتی که به باور او، شأن و ماهیت آن مبتنی بر تأمین و تضمین حقوق اجتماعی به‌ویژه کار، آموزش، و مسکن در راستای همبستگی اجتماعی است.

سیاست‌های تعدیل اقتصادی که از سه دهه پیش در ایران نیز به‌عنوان سیاست غالب برنامه‌های توسعه‌ای کشور در دستور کار قرار گرفته، در بلندمدت به تغییر ماهیت

1. Castells
2. Supiot

کارکردی دولت انجامیده است و این پدیده‌ای است که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه نیز رخ داده است. همانطور که رینزبرگ، کنتکلینیس، استابز، و کینگ با بررسی داده‌های مربوط به کشورهای درحال توسعه در بازه ۲۰۱۴-۱۹۸۵ استدلال کرده‌اند دولت‌هایی که بر اساس برنامه‌های تعدیل به دنبال توسعه هستند، به تدریج به تسخیر طبقات بالای داخلی درمی‌آیند. این کشورها در پیشبرد منافع نخبگان اقتصادی و سیاسی در متن استبداد مهارت زیادی دارند، اما فاقد بروکراسی لازم برای تأمین کالاهای عمومی هستند... سیاست‌های تعدیل به‌طورجدی میزان وقوع فساد را افزایش داده و برخی گونه‌های فساد را نظام‌مند و حتی قانونی کرده است. ضعف دموکراسی در همراهی با سیاست‌های تعدیل نیز تأثیر جدی بر تهی‌شدگی هرچه بیشتر بروکراسی داشته است... شرایط نامناسب کار، پایین بودن دستمزد، وضعیت تأمین اجتماعی، کوک کردن دولت، تسهیل شرایط اخراج نیروی کار، واگذاری بنگاه‌های دولتی، و حذف یارانه تسهیلات عمومی از جمله برنامه‌هایی است که ذیل عنوان بهبود عملکرد دولت توجیه می‌شود، اما به افزایش ناتوانی و ناکارآمدی دولت منجر شده و نظام بروکراسی عملاً ظرفیت قاعده‌گذاری و تنظیم اقتصاد، و توان حفاظت از جامعه و کسب و کارها را از دست می‌دهد. (Reinsberg, Kentikelenis, Stubbs, King, 2019).

استیگلitz نیز نشان داده که چگونه این روندها طی ۴۰ سال اخیر دموکراسی و فضیلت‌های مدنی را تضعیف کرده و موجب شده تا افراد توان کنترل بر بخش مهمی از سرنوشت خود را از دست بدهند و شهروندان به این احساس برسند که طی این سال‌ها فریب‌خورده‌اند و در نتیجه نسبت به نخبگان و نظام سیاسی‌ای که زمینه این سیاست‌ها را فراهم کرده بی‌اعتماد و بدبین شوند (Stiglitz, 2019). آنگونه که سوانک و بتز روند عقب‌نشینی دولت رفاه در اروپا به افزایش درصد آرای احزاب پوپولیستی منجر شده است. به‌زعم آن‌ها مهم‌ترین استدلال در عقب‌راندن دولت رفاه این بوده که دولت‌ها در ازای باز کردن اقتصاد و تعمیم مناسبات بازارگرایانه، سیاست‌هایی جبرانی را در پیش می‌گیرند، اما تجربه نشان داده که این سیاست‌ها نتوانسته‌اند جامعیت، کفایت، اثربخشی، و جذابیت لازم

را برای حل مخاطره‌های پیش‌آمده داشته باشند. این همان وضعیتی است که پولانی^۱ پیش‌بینی کرده بود مبنی بر اینکه سیاست پوپولیستی و ضد دموکراسی در جاهایی رشد می‌کند که افراد در مقابل موج بازارگرایی بدون کمک سیاسی و اجتماعی رها می‌شوند. به تعبیری در روند به حاشیه راندن امر اجتماعی، الزامات تحقق آن نیز به حاشیه رانده می‌شود و به تبع آن جامعه از یکسو با مسائل اجتماعی روزافزونی مواجه می‌شود و از سوی دیگر دولتی دارد که به‌طور مداوم ظرفیت‌های خود را برای مواجهه با بحران‌ها از دست داده و چه بسا به تسخیر نیروهایی درآمده که هرچه بیشتر با توصیه‌های پوپولیستی راست‌گرایانه بر نادیده انگاشتن امر اجتماعی و تهی‌شدگی ظرفیت دولت تأکید می‌کنند (Swank and Betz, 2003).

عقب راندن دولت از حوزه‌های رفاهی و تشدید فقر و نابرابری‌های اجتماعی ناشی از آن به تشدید بی‌اعتمادی و ارزیابی بدبینانه از آینده منجر شده است. برای مواجهه با انسداد ناشی از بی‌اعتمادی دوسویه دولت و جامعه باید زمینه‌های لازم برای اعمال قدرت جامعه در راستای مداخله مؤثر در مکانیسم‌های تخصیص و توزیع منابع و امکانات فراهم باشد. این یکی از اصول بنیادین ارتقاء سطح امید اجتماعی از منظر اقتصاد اجتماعی است، چراکه به امکان فاعلیت جامعه در ساحت‌های مختلف کمک می‌کند و می‌تواند امکان‌ها و گشودگی‌هایی را در تعامل امیدوارانه میان جامعه و دولت فراهم آورد و در تعیین مسائل واقعی جامعه و ظرفیت‌زایی در نظام سیاست‌گذاری برای حل آن‌ها ایفای نقش کند. بنا به استدلال تورن در جامعه‌ای که عرصه منافع متعارض و شبکه روابط قدرت و سوگیری‌های فرهنگی است، مبارزات و اعتراضات اجتماعی جزئی از فرایند توسعه و تلاشی برای حفاظت جامعه از خود در برابر فشارهای بازار و دولت دانسته می‌شود (Touraine, 1971: 24-25).

ضروری است که سیاست‌گذاری اجتماعی و احیای مسئولیت‌های دولت در حوزه رفاه اجتماعی به اولویت اصلی نخبگان و نظام سیاست‌گذاری تبدیل شود. به بیان

1. Polanyi

عجم‌اوغلو دولت‌ها باید مسئولیت بیشتری را بر عهده بگیرند. بازسازی دولت رفاه سراسرترین مسیر دستیابی همزمان به ظرفیت واقعی دولت و دموکراسی است. امروزه ما به نهادهای پاسخگوتر و شیوه‌های عادلانه‌تری نیاز داریم. صداهایی از چپ و راست به درستی استدلال می‌کنند که بازی فریبکارانه‌ای به نفع یک گروه کوچک اما قدرتمند در بالای هرم درآمد و ثروت در جریان بوده است. حالا این واقعیت آشکار شده که نظام‌های فعلی برای مواجهه با چالش‌های قرن ۲۱ بسیار شکننده‌اند. در دوره تضاد و قطبی شدن، فروپاشی هنجارهای دموکراتیک، و تحلیل رفتن ظرفیت‌های نهادی، بازسازی دولت رفاه ضروری است. چاره دیگری جز آزمون این مسیر نداریم (Acemoglu, 2020).

منابع

- پچک، الکساندر و رادکلیف، بنجامین. (۱۳۹۹)، «ارزیابی دولت رفاه: سیاست خوشبختی»، بازخوانی و بازناندیشی دولت رفاه، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: شیرازه.
- رورتی، ریچارد. (۱۳۸۴)، فلسفه و امید اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: نی.
- سازمان تأمین اجتماعی. (۱۴۰۰)، سالنامه آماری ۱۳۹۹، تهران: سازمان تأمین اجتماعی.
- سویوو، آلن. (۱۳۹۶)، بزرگی و نگون‌بختی حکومت اجتماعی، ترجمه: حسن مراد زاده، تهران: شهر دانش.
- سوری، داود. (۱۳۹۷)، فقر در ایران با تأکید بر نقش بیمه‌های اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- صفری شالی، رضا و طوافی، پویا. (۱۳۹۷)، «بررسی میزان امید به آینده و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان تهرانی»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۵: ۱۱۶-۱۹۰.
- صندوق بین‌المللی پول. (۱۳۹۶)، توصیه‌های فنی صندوق بین‌المللی پول در پاسخ به درخواست کمک فنی ایران، ترجمه: اسماعیل طاهری بهروز و مریم حاجی قربانی، تهران: معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱)، نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۹)، گسست: بحران لیبرال دموکراسی، ترجمه: مجتبی قلی پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کروچ، کالین و کین، مارتین. (۱۳۹۹)، «حکمرانی بر بی‌ثباتی اقتصادی: فراسوی تحلیل‌های مخاطرات نوین اجتماعی»، بازخوانی و بازناندیشی دولت رفاه، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: شیرازه.

- مالمیر، مهدی؛ امیرپناهی، محمد و شکرپانی، محسن. (۱۳۹۸)، «وضعیت امید اجتماعی در استان‌های کشور: وضع موجود و آینده»، در خانیکی، هادی (۱۳۹۸)، امید اجتماعی: چیستی، وضعیت، و سبب‌شناسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری مؤسسه رحمان.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰)، بررسی تحولات بازار کار طی دوره ۹۸-۱۳۹۳، تهران: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- معاونت پژوهش‌های اقتصادی. (۱۳۹۸)، سیاست حمایتی جایگزین ارز ترجیحی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- معاونت رفاه اجتماعی. (۱۳۹۳)، وضعیت فقر در ایران، تهران: وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی.

- معاونت رفاه اجتماعی. (۱۳۹۷)، «برنامه‌های رفاهی برای تعدیل اثرات تحریم»، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۴: ۱۵-۳۴.

- مکنزی. (۱۳۹۵)، دورنمای راهبردی صندوق بازنشستگی کشوری، تهران: صندوق بازنشستگی کشوری.

- میرسپاسی، علی. (۱۳۸۸)، اخلاق در حوزه عمومی و تأملاتی در باب ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک، تهران: ثالث.

- منوری، نوح و قیصری، حمید. (۱۳۹۸)، بیمه بیکاری (گزارش پژوهشی)، تهران: معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی.

- نصر اصفهانی، آرش و جوادی یگانه محمدرضا (۱۳۹۸) «نگرش بازنشستگان به آینده: گزارشی از یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، در خانیکی، هادی (۱۳۹۸)، امید اجتماعی: چیستی، وضعیت، و سبب‌شناسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری مؤسسه رحمان.

- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۸)، سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش (۹۸-۱۳۹۷)، تهران: سوره سبز.
- وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۹)، «شاغلین بخش غیررسمی و بحران کرونا در ایران و جهان»، کرونا، نیروی کار، و حمایت اجتماعی، تهران: معاونت رفاه اجتماعی.
- وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۹)، تصویر مصرف و رفاه خانوارهای ایرانی و سیاست‌های حمایتی پیشنهادی، تهران: معاونت رفاه اجتماعی.
- وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۹)، فقر و نابرابری در آموزش و پرورش، تهران: معاونت رفاه اجتماعی.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۴۰۰)، بحران صندوق‌های بازنشستگی و ضرورت اصلاح، تهران: معاونت رفاه اجتماعی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۹۴)، سنجش سرمایه اجتماعی کشور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج دوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۹۵)، یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج سوم-۱۳۹۴، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.

- Acemoglu, Daron. (2020). "The post-COVID state". *project syndicate*, visited: 5 Jun 2020.
- Baldock, Jojn, Nick Manning, Stewart Miller, and Sarah Vickerstaff, (Eds.). (1999). *Social policy*. Oxford: Oxford University press.
- Bradshaw, Janathan R. (1972). "The concept of social need", *New society*, Vol. 496: pp. 640-643.
- Chang, Edward C. (1998). "Hope, Problem-Solving Ability, and Coping in a College Student Population: Some Implications for Theory and Practice". *Journal of Clinical Psychology*, 54, 953-962.

- Erikson, Erik H. (1993). *Childhood and Society*. London: Paladin.
- Mowrer, Orval H. (1960). *Learning Theory and Behavior*. New York, NY: Wiley.
- Ozkoc, Hatice, Nilfer Sahin, and Ercan Baldemir. (2015). "Assessment of hope level and assessment of factors influencing hope level in Turkey". *Psychiatry and Clinical Psychopharmacology*, vol. 25: 1.
- Pleeing, Emma, Martijn Burger, and Job Van Exel. (2019). "The Relations between Hope and Subjective Well-Being: a Literature Overview and Empirical Analysis". *Applied Research in Quality of Life*, <https://doi.org/10.1007/s11482-019-09802-4>.
- Pruyser, Paul W. (1986). "Maintaining Hope in Adversity". *Pastoral psychology*, 35 (2), 120-131.
- Reinsberg, Bernhard, Alexander Kentikelenis, Thomas Stubbs, and Lawrence King. (2019). "The World System and the Hollowing Out of State Capacity: How Structural Adjustment Programs Affect Bureaucratic Quality in Developing Countries". *American Journal of Sociology*, 124 (4): 1222-1257.
- Roy, Indrajit. (2022). *Citizenship Futures: The Politics of Hope*. Visited in: <https://www.york.ac.uk/politics/research/current-projects/citizenship-futures/>.
- Snyder, Charles R. (2002). "Hope Theory: Rainbows in the Mind". *Psychological Inquiry*, 13, 249-275.
- Snyder, Charles R., Cheri Harris, John R. Anderson, Sharon A. Holleran, Lori M. Irving, Sandra T. Sigmon, Lauren Yoshinobu, June Gibb, Charyle Langel, and Pat Harney. (1991). "The Will and the Ways: Development and Validation of an Individual-Differences Measure of Hope". *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 570-585.
- Stiglitz, Joseph. (2019). "The end of neoliberalism and the rebirth of history". *project syndicate*, visited: 4 Nov. 2019.
- Stotland, Ezra. (1969). *The Psychology of Hope*. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Swank, Duane and Hans-Georg Betz. (2003). "globalization, the welfare state and right-wing populism in Western Europe". *socio-economic review*, Vol. 1: 215-245.
- Swedberg, Richard. (2016). "a sociological approach to hope in the economy". *The economy of hope*, Hirokazu Miyazaki and Richard Swedberg, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Teylor-Gooby, Peter. (2019). *what is social policy?* Visited In <https://www.thebritishacademy.ac.uk/blog/what-is-social-policy/>.

- Touraine, Alain (1971) *the post-industrial society- tomorrow's social history: classes, Conflicts and culture in the programmed society*. New York, Random House.
- UNDP. (2020). *human development report- 2020*. New York: United Nations Development Programme.
- UNESCO. (2019). *Global Education Monitoring Report 2019: Migration, Displacement and Education – Building Bridges, not Walls*. Paris: UNESCO.
- World Bank. (2020). Databank (Education statistics based on UNESCO Institute for Statistics). Retrieved January 19, 2020, from <https://data.worldbank.org/indicator/se.sec.priv.zs?locations=ir>.